

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه قوانین خاص

حقوقی و کیفری

ویژه داوطلبان آزمونهای ورودی

کارشناسی ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت

سردفتری، مشاوران حقوقی

تدوین: الهه جمشیدی

ماریا خواجه



مجموعه قوانین خاص حقوقی و کیفری - الهه جمشیدی - ماریا خواجه

صفحه آرا : لیلا بعاج زاده
طراح جلد : مریم مظفری

آدرس : شیراز - پارامونت، ابتدای خ قصر دشت، موسسه آموزش عالی فاضل

تلفن : ۰۷۱۳۲۳۰۴۰۱۴ / ۰۷۱۳۲۳۴۳۲۳۴

دانشجوی گرامی

حضور در کلاس‌های موسسه فاضل به دلیل حل مسائل متنوع، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد، قرار گرفتن در جو کنکور، ایجاد انگیزه رقابت، رفع اشکالات دانشجو و آزمون‌های کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می‌شوید انتخابی است که نمی‌توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد.

شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه فاضل به شما این امکان را می‌دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

مزایای استفاده از این کتاب:

- جمع آوری نص مهم ترین قوانین خاص حقوقی و کیفری در یک کتاب
- تشریح و علامت گذاری مهمترین مواد قوانین به صورت دقیق همراه با آخرین اصلاحات
- طبقه بندی تستهای آزمون های سنوات گذشته در ذیل هر قانون به همراه پاسخ تشریحی

پیش گفتار

کتاب حاضر تحت عنوان قوانین خاص در دو بخش حقوقی و کیفری تالیف گردیده است. در بخش حقوقی، قوانین خاص در زمینه حقوق مدنی، حقوق تجارت و آیین دادرسی مدنی و در بخش کیفری قوانین خاص مربوط به حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری گردآوری شده و نکات و تست های مربوط به هر ماده در ذیل آن نگاشته شده؛ تا استفاده کنندگان از مراجعه به سایر منابع بی نیاز گردند؛ درجه بندی مواد به لحاظ اهمیت به صورت جدول زیر است:

درجه اهمیت مواد	نحوه تایپ
بسیار زیاد	<u>پررنگ+زیر خط دار+کج(ایتالیک)</u>
زیاد	پررنگ
متوسط	<u>زیر خط دار</u>
عادی	عادی

در واقع مهمترین موادی که در دوره های گذشته از آنها سوال طرح شده بصورت پررنگ و زیر خط دار و ایتالیک مشخص شده است همچنین مواد مهم(که تاکنون از آنها سوال طرح نشده اما احتمال طرح سوال از آنها زیاد است) بصورت پررنگ و مواد با اهمیت کم تر بصورت زیر خط دار و مواد با اهمیت بسیار کمتر بصورت عادی تایپ شده اند. از آن جایی که در آزمون های حقوقی اخیر، قوانین خاص مورد پرسش قرار می گیرد لازم است تا داوطلبان گرامی نسبت به این مواد در کنار مواد قوانین اصلی تسلط داشته باشند. کتاب حاضر می تواند برای تمام خانواده حقوقی علاوه بر متقاضیان آزمونهای حقوقی مورد استفاده واقع شود.

به امید پیروزی

الهه جمشیدی-ماریا خواجه

فهرست مطالب

قوانین خاص حقوق مدنی.....	۳
قانون مسئولیت مدنی	۴
قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه	۹
قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه	۱۶
قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶	۳۴
قانون روابط موجر و مستأجر - ۷۶	۴۵
قانون تملک آپارتمانها	۴۹
قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹	۵۳
قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان با آخرین اصلاحات ۱۳۸۹	۵۷
قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۹۲	۶۱
قوانین خاص آیین دادرسی مدنی.....	۶۷
قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی	۶۸
قانون حمایت از خانواده	۷۴
قانون شوراهای حل اختلاف	۸۶
قانون دیوان عدالت اداری	۹۶
قانون اجرای احکام مدنی	۱۱۶
قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب	۱۴۱
قانون وکالت ۱۳۱۵ (با آخرین اصلاحات)	۱۴۶
لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری	۱۵۳
قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری ۱۳۷۶	۱۵۷
قانون امور حسبی	۱۶۰
قانون افراز و فروش املاک مشاع	۱۷۶
قوانین خاص حقوق تجارت.....	۱۷۹
قانون جدید اصلاح صدور چک مصوب ۱۳۹۷	۱۸۰
قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک	۱۹۶
قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی	۱۹۷

.....	موسسه آموزش عالی آزاد فاضل
۲۰۷.....	قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (با آخرین اصلاحات ۱۳۹۳)
۲۲۳.....	قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴)
۲۵۵.....	قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران
۲۶۷.....	قانون تجارت الکترونیکی
۲۷۹.....	قانون راجع به ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰
۲۸۱.....	فهرست مواد مهم برخی از قوانین خاص حقوقی
۲۸۲.....	قانون ثبت اسناد و املاک
۲۸۵.....	فهرست جدیدترین اصلاحات مربوط به قوانین اصلی حقوق
۲۸۶.....	« قانون اصلاح ماده (۲۴۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت »
۲۸۷.....	قوانین خاص جزایی و کیفری
۲۸۸.....	قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸
۲۹۶.....	قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷
۳۰۱.....	قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴
۳۰۶.....	قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵
۳۰۸.....	قانون اصلاح موادی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
۳۲۸.....	قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن
۳۳۶.....	الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۹۶
۳۳۷.....	قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸
۳۳۸.....	اصول جزایی قانون اساسی
۳۴۰.....	قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۳۴۲.....	قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند مصوب ۱۳۰۷
۳۴۴.....	جرایم و مجازات ها از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی
۳۴۷.....	قانون نظارت بر رفتار قضات
۳۵۷.....	قانون مبارزه با پولشویی

قوانین خاص حقوق مدنی

قانون مسئولیت مدنی

مصوب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۹

ماده ۱- هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.

ماده ۲- در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.

ماده ۳- دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید.

ماده ۴- دادگاه می تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد:

۱- هر گاه پس از وقوع خسارت وارد کننده زیان به نحو موثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد.

۲- هر گاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که صرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود.

۳- وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد.

ماده ۵- اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده و بدن او نقضی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحد تعیین می نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه مبلغ می توان از وارد کننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت.

ماده ۶- در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می باشد، اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است.

در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت.

ماده ۷- کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد.

📌 نکته:

این ماده فقط راجع به مسئولیت سرپرست نسبت به خسارات وارده از ناحیه صغیر (اعم از ممیز یا غیر ممیز) و مجنون است. و در مورد سفیه قابل اجرا نیست.

📌 توضیح بیشتر:

منظور از کسی که نگاهداری مجنون یا صغیر بر حسب قرارداد بر عهده اوست مانند مربی مهدکودک - پرستار بچه و ... است.

ماده ۸ - کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است .

شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسائل مختلف حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید.

ماده ۹ - دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

ماده ۱۰ - کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.

ماده ۱۱ - کارمندان دولت و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

📌 نکته:

بر اساس ماده ۱۱ ق.م.م. در مورد خسارات کارمندان دولت، شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آن ها:

* اگر خسارت ناشی از عمد یا بی احتیاطی کارمند باشد جبران خسارت بر عهده خود اوست

* در صورتی که خسارت مستند به عمل کارمند نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد جبران خسارت به عهده اداره یا مؤسسه خواهد بود.

اعمال دولتی

✓ اعمال تصدی

✓ اعمال حاکمیتی

در خصوص اقداماتی که دولت در مقام اعمال حاکمیت و اعمال حاکمیتی انجام می دهد اگر اقدامات بر حسب ضرورت و در راستای منافع اجتماعی و مطابق قانون به عمل آید و موجب ضرر غیر گردد دولت مسئولیتی نخواهد داشت.

ماده ۱۲ - کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارده شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هائی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را به عمل می

موسسه آموزش عالی آزاد فاضل
آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود کارفرما می تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید

نکته:

بر اساس ماده ۱۲ ق.م.م. کارفرمایان مشمول قانون کار، مسئول جبران خساراتی هستند که از طرف کارکنان اداری یا کارگران در حین انجام کار یا به مناسبت آن به دیگران وارد می شود. مگر آن که ثابت شود، تمام احتیاطات لازم را به عمل آورده یا اگر هم احتیاط های لازم را به عمل می آورد باز هم جلوگیری از ورود ضرر ممکن نبود. در اینجا قانون گذار تقصیر کارفرما را مفروض دانسته است.

ماده ۱۳ - کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه نمایند.

ماده ۱۴- در مورد ماده ۱۲ هر گاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند متضامن مسئول جبران خسارات وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.

ماده ۱۵ - کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.
ماده ۱۶ وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

سوالات قانون مسئولیت مدنی

۱- شرکت پیمانکاری در برابر وزارت نیرو، احداث یک سد جهت بهره برداری در امر کشاورزی منطقه را برعهده می گیرد. اگر در مدت قرارداد سد را آماده نکنند، براساس حقوق ایران، مسئول کدامیک از خسارات زیر است؟
(دکتری سراسری، ۹۶)

۱) قیمت آبهای هدر رفته

۲) قیمت آبهای هدر رفته و خسارات باغات مردم که در اثر کم آبی آسیب دیده اند

۳) قیمت آبهای هدر رفته و منافی که با بهره برداری از آب سد در امر کشاورزی حاصل می شود

۴) قیمت آبهای هدر رفته و خسارات باغات و منافی که با بهره برداری از آب سد حاصل می شده است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۲- قابلیت پیش بینی ضرر، در کدام مورد شرط است؟
(ارشد سراسری ۹۶)

۱) مسئولیت دارنده اتومبیل

۲) خسارت وارده به مصرف کننده ناشی از عیب تولید کالا

۳) خسارات ناشی از صدمه های بدنی که در آینده ظاهر می شود

۴) مسافری که سابقه بیماری و در اثر ترمز ناگهانی قطار، دچار حمله قلبی شود.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

قانون روابط موجر و مستأجر - ۷۶

مصوب ۷۶

ماده ۱ - از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، اجاره کلبه اماکن اعم از مسکونی، تجاری، محل کسب و پیشه، اماکن آموزشی، خوابگاههای دانشجویی و ساختمان‌های دولتی و نظایر آن که با قرارداد رسمی یا عادی منعقد می‌شود تابع مقررات قانون مدنی و مقررات مندرج در این قانون و شرایط مقرر بین موجر و مستأجر خواهد بود .

نکته:

اجاره ملک تجاری در صورتی تابع قانون ۷۶ است که عقد اجاره ابتدائاً بعد از سال ۷۶ منعقد شده باشد. در حال حاضر اجاره اماکن مسکونی تابع قانون ۷۶ است

ماده ۲ - قراردادهای عادی اجاره باید با قید مدت اجاره در دونسخه تنظیم شود و به امضای موجر و مستأجر برسد و به وسیلهٔ دونفر افراد مورد اعتماد طرفین به عنوان شاهد گواهی گردد .

نکته:

اگر اجاره نامه رسمی باشد، تابع قانون ۷۶ خواهد بود اما در مورد اجاره نامه عادی، در صورتی تابع قانون ۷۶ است که در دو نسخه تنظیم شده باشد و به امضای موجر و مستأجر رسیده و حداقل دو نفر به عنوان شاهد آن را امضا کرده باشند. لذا اگر اجاره نامه عادی بوده و فاقد یکی از شرایط مذکور باشد از شمول قانون ۷۶ خارج شده و تابع قانون مدنی و توافق طرفین خواهد بود.

ماده ۳ - پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قائم‌مقام قانونی وی تخلیهٔ عین مستأجره در اجاره با سند رسمی توسط دواير اجرای ثبت ظرف یک هفته و در اجاره با سند عادی ظرف یک هفته پس از تقدیم دادخواست تخلیه به دستور مقام قضایی در مرجع قضایی توسط ضابطین قوه قضاییه انجام خواهد گرفت .

نکته:

با انقضای مدت اجاره و بنا به تقاضای موجر یا قائم مقام وی، تخلیه بایستی حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ تقاضا صورت گیرد. در اجاره نامه رسمی دستور تخلیه از سوی دایره ثبت صادر شده و توسط مأمورین این اداره اجرا می‌شود. در مورد اجاره نامه عادی دستور تخلیه از سوی مقام قضایی صادر و توسط ضابطین دادگستری اجرا می‌شود.

نکته:

با توجه به قانون شورای حل اختلاف دعوی تخلیه ملک استیجاری اعم از این که ملک تجاری باشد یا مسکونی، در صلاحیت قاضی شورای حل اختلاف است.

ماده ۴ - در صورتی که موجر مبلغی به عنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه و یا سند تعهدآور مشابه آن از مستأجر دریافت کرده باشد تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر موکول به استرداد سند یا وجه مذکور به مستأجر و یا سپردن آن به دایره اجراست. چنانچه موجر مدعی ورود خسارت به عین مستأجره از ناحیه مستأجر و یا عدم پرداخت مال الاجاره یا بدهی بابت قبوض تلفن، آب، برق و گاز مصرفی بوده و متقاضی جبران خسارات وارده و یا پرداخت بدهی‌های فوق از محل وجوه یادشده باشد موظف است همزمان با تودیع وجه یا سند، گواهی دفتر شعبهٔ دادگاه صالح را مبنی بر تسلیم دادخواست مطالبهٔ ضرر و زیان به میزان مورد ادعا به دایرهٔ اجرا تحویل نماید. در این صورت دایرهٔ اجرا از تسلیم وجه یا سند به مستأجر به همان میزان خودداری و پس از صدور رأی دادگاه و کسر مطالبات موجر اقدام به رد آن به مستأجر خواهد کرد.

نکته:

اگر به موجب عقد اجاره مبلغی تحت عنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه، و نظایر این‌ها از سوی مستاجر به موجر داده شده باشد تخلیه ممکن نخواهد بود مگر با استرداد این مبلغ به مستاجر، اگر مستاجر از دریافت آن خودداری نماید موجر بایستی این مبلغ را نزد دایره اجرا تودیع نماید. سپس اگر مدعی است که طلبی از مستاجر دارد (مثلاً از بابت اجاره بها یا خسارت) همزمان با تودیع وجه، دادخواست خویش را به دادگاه صالح تقدیم نماید. در این صورت وجه مذکور در صندوق اداره ثبت یا دادگستری باقی می ماند تا زمانی که نتیجه دعوی موجر مشخص گردد. با صدور رای دادگاه مبلغ طلب موجر کسر شده و مابقی آن به مستاجر پرداخت می گردد.

ماده ۵ - چنانچه مستاجر در مورد مفاد قرارداد ارایه شده از سوی موجر مدعی هرگونه حقی باشد **ضمن اجرای دستور تخلیه** شکایت خود را به دادگاه صالح تقدیم و پس از اثبات حق مورد ادعا و نیز جبران خسارات وارده حکم مقتضی صادر می شود.

نکته:

چنانچه مستاجر در مورد قرارداد، ادعای حقی داشته باشد، این امر مانع از تخلیه نخواهد بود. و بایستی دعوی خود را اقامه کرده و چنانچه متعاقباً حکمی به نفع او صادر شود بایستی خسارات وارده بر مستاجر جبران شود.

نکته:

به نظر می رسد که م ۵ شامل ادعای جعل نسبت به اجاره نامه نمی شود یعنی اگر در دعوی تخلیه مستاجر مدعی جعل در سند اجاره گردد. م ۵ اجرا نمی شود و قبل از صدور حکم تخلیه بایستی نسبت به ادعای جعل رسیدگی شده و تکلیف آن تعیین گردد.

فصل دوم - سرقفلی

ماده ۶ - هرگاه مالک، ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید می تواند مبلغی را تحت عنوان سرقفلی از مستاجر دریافت نماید. همچنین مستاجر می تواند در اثناء مدت اجاره برای واگذاری حق خود مبلغی را از موجر یا مستاجر دیگر به عنوان سرقفلی دریافت کند، مگر آن که در ضمن عقد اجاره حق انتقال به غیر از وی سلب شده باشد.

تبصره ۱ - چنانچه مالک سرقفلی نگرفته باشد و مستاجر بادر یافت سرقفلی ملک را به دیگری واگذار نماید پس از پایان مدت اجاره مستاجر اخیر حق مطالبه سرقفلی از مالک را ندارد.

تبصره ۲ - در صورتی که موجر به طریق صحیح شرعی سرقفلی را به مستاجر منتقل نماید، هنگام تخلیه مستاجر حق مطالبه سرقفلی به قیمت عادی روز را دارد.

ماده ۷ - هرگاه ضمن عقد اجاره شرط شود، تا زمانی که عین مستآجره در تصرف مستآجر باشد مالک حق افزایش اجاره بها و تخلیه عین مستآجره را نداشته باشد و متعهد شود که هر ساله عین مستآجره را به همان مبلغ به او واگذار نماید در این صورت مستآجر می تواند از موجر و یا مستآجر دیگر مبلغی به عنوان سرقفلی برای اسقاط حقوق خود دریافت نماید .

ماده ۸ - هرگاه ضمن عقد اجاره شرط شود که مالک عین مستآجره را به غیر مستآجر اجاره ندهد و هر ساله آن را به اجاره متعارف به مستآجر متصرف واگذار نماید، مستآجر می تواند برای اسقاط حق خود و یا تخلیه محل مبلغی را به عنوان سرقفلی مطالبه و دریافت نماید.

ماده ۹ - چنانچه مدت اجاره به پایان برسد یا مستآجر سرقفلی به مالک نپرداخته باشد و یا این که مستآجر کلیه حقوق ضمن عقد را استیفاء کرده باشد هنگام تخلیه عین مستآجره حق دریافت سرقفلی را نخواهد داشت.

قوانین خاص آیین دادرسی مدنی

قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی

مصوب ۹۴

ماده ۱- هر کس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هر گاه محکوم به عین معین باشد آن مال اخذ و به محکوم له تسلیم می شود و در صورتی که رد عین ممکن نباشد یا محکوم به عین معین نباشد، اموال محکوم علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم به یا مثل یا قیمت آن استیفا می شود.

ماده ۲- مرجع اجراکننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجراییه یا مجری نیابت، مکلف است به تقاضای محکوم له از طرق پیش بینی شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد، نسبت به شناسایی اموال محکوم علیه و توقیف آن به میزان محکوم به اقدام کند.

تبصره - در موردی که محکوم به عین معین بوده و محکوم له شناسایی و تحویل آن را تقاضا کرده باشد نیز مرجع اجراکننده رأی مکلف به شناسایی و توقیف آن مال است.

ماده ۳- اگر استیفای محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می شود. چنانچه محکوم علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجراییه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوی اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی شود، مگر اینکه دعوی اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

تبصره ۱- چنانچه محکوم علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوی اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می کند. در صورت رد دعوی اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه گذار ابلاغ می شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می شود نسبت به استیفای محکوم به و هزینه های اجرایی از محل وثیقه یا وجه الكفاله اقدام می شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است. نحوه صدور قرارهای تأیینی مزبور، مقررات اعتراض نسبت به دستور دادستان و سایر مقررات مربوط به این دستورها تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.

نکته: با مواد ۲۳۵ و ۲۳۰ آ.د.ک مقایسه شود.

تبصره ۲- مقررات راجع به تعویق و موانع اجرای مجازات حبس در خصوص کسانی که به استناد این ماده حبس می شوند نیز مجری است.

ماده ۴- چنانچه به موجب ماده (۳) این قانون محکوم علیه حبس شده یا مستحق حبس باشد، هر گاه مالی معرفی کند و یا با رعایت مستثنیات دین مالی از او کشف شود به نحوی که طبق نظر کارشناس رسمی مال مزبور تکافوی محکوم به و هزینه های اجرایی را نماید، حبس نخواهد شد و اگر در حبس باشد آزاد می گردد. در این صورت مال معرفی یا کشف شده را مرجع اجراکننده رأی توقیف می کند و محکوم به از محل آن استیفا می شود.

ماده ۵- قوه قضاییه مکلف است افرادی را که به استناد ماده (۳) این قانون حبس می شوند جدای از محکومان کیفری نگهداری و با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) زمینه انجام فعالیت های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسان متقاضی کار فراهم کند. شیوه نگهداری، به کارگیری، پرداخت و هزینه کرد اجرت این اشخاص مطابق آیین نامه ای است که به وسیله سازمان زندان ها و اقدامات تأمیینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می شود و ظرف سه ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.

ماده ۶- معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

تبصره - عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون است.

ماده ۷- در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملاتت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار برعهده اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد هر گاه خواننده دعوای اعسار نتواند ملاتت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملاتت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می شود.

ماده ۸- مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانک ها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حساب های مذکور و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد را ضمیمه دادخواست اعسار خود کند. در مواردی که بار اثبات اعسار برعهده مدیون است و نیز در مواردی که سابقه ملاتت او اثبات شده باشد هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند باید شهادتنامه کتبی حداقل دو شاهد را به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید. شهادتنامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.

ماده ۹- شاهد باید علاوه بر هویت، شغل، میزان درآمد و نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار، به این امر تصریح کند که با مدیون به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته و او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد.

ماده ۱۰- پس از ثبت دادخواست اعسار دادگاه مکلف است فوراً با استعلام از مراجع ذی ربط و به هر نحو دیگر که ممکن باشد نسبت به بررسی وضعیت مالی محکوم علیه جهت روشن شدن اعسار یا ایسار او اقدام کند.

ماده ۱۱- در صورت ثبوت اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می دهد یا حکم تقسیط بدهی را صادر می کند. در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.

تبصره ۱- صدور حکم تقسیط محکوم به یا دادن مهلت به مدیون، مانع استیفای بخش اجرا نشده آن از اموالی که از محکوم علیه به دست می آید یا مطالبات وی نیست.

تبصره ۲- هر یک از محکوم له یا محکوم علیه می توانند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند. دادگاه با عنایت به نرخ تورم براساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم علیه نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می کند.

ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به رد دعوی، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می کند.

ماده ۱۳- دعوای اعسار در مورد محکوم به در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده اجرائیه و به طرفیت محکوم له اقامه می شود.

ماده ۱۴- دعوای اعسار غیرمالی است و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می شود.

ماده ۱۵- دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

قانون حمایت از خانواده

مصوب ۱۳۹۱

فصل اول - دادگاه خانواده

ماده ۱- به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ تصویب این قانون در کلیه حوزه های قضائی شهرستان به تعداد کافی شعبه دادگاه خانواده تشکیل دهد. تشکیل این دادگاه در حوزه های قضائی بخش

به تناسب امکانات به تشخیص رئیس قوه قضائیه موکول است.

تبصره ۱- از زمان اجرای این قانون در حوزه قضائی شهرستانهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند.

نکته:

رای وحدت رویه شماره ۷۴۱ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۶: «نظر به اینکه تبصره ۱ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مقرر داشته: «در حوزه قضایی شهرستانهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند.» و با عنایت به اینکه در ترکیب دادگاه های عمومی و انقلاب مشاور پیش بینی نشده است، بنابراین در مواردی که این دادگاه ها به علت عدم تشکیل دادگاه های خانواده به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کنند، حضور قاضی مشاور زن در دادگاه قانوناً ضرورت ندارد.

تبصره ۲- در حوزه قضایی بخش هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند، مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال

آن که در دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضائی رسیدگی می شود.

ماده ۲- دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می گردد. قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهار نظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاکننده رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند.

تبصره - قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف پنج سال به تأمین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاه های خانواده اقدام کند و در این مدت می تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند.

ماده ۳- قضات دادگاه خانواده باید متأهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضائی باشند.

ماده ۴- رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است:

۱- نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن

۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح

۳- شروط ضمن عقد نکاح

۴- ازدواج مجدد

۵- جهیزیه

۶- مهریه

۷- نفقه زوج و اجرت المثل ایام زوجیت

۸- تمکین و نشوز

۹- طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن

۱۰- حضانت و ملاقات طفل

۱۱- نسب

۱۲- رشد، حجر و رفع آن

۱۳- ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان

۱۴- نفقه اقارب

۱۵- امور راجع به غایب مفقودالائثر

۱۶- سرپرستی کودکان بی سرپرست

۱۷- اهدای جنین

۱۸- تغییر جنسیت

تبصره - به دعوی اشخاص موضوع اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی حسب مورد طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی می شود.

تصمیمات مراجع عالی اقلیت های دینی مذکور در امور حسبی و احوال شخصیه آنان از جمله نکاح و طلاق، معتبر و توسط محاکم قضائی بدون رعایت تشریفات، تنفیذ و اجراء می گردد.

ماده ۵ - در صورت عدم تمکن مالی هریک از اصحاب دعوی دادگاه می تواند پس از احراز مراتب و با توجه به اوضاع و احوال، وی را از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داوری و سایر هزینه ها معاف یا پرداخت آنها را به زمان اجرای حکم موکول کند. همچنین در صورت اقتضاء ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل، دادگاه حسب مورد رأساً یا به درخواست فرد فاقد تمکن مالی وکیل معاضدتی تعیین می کند.

تبصره - افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و مددجویان سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه دادرسی معاف می باشند.

ماده ۶ - مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضاء ضرورت برعهده دارد، حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل یا محجور را نیز دارد. در این صورت، دادگاه باید در ابتداء ادعای ضرورت را بررسی کند.

ماده ۷- دادگاه می تواند پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوی به درخواست یکی از طرفین در اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه زن و محجور که تعیین تکلیف آنها فوریت دارد بدون اخذ تأمین، دستور موقت صادر کند. این دستور بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضائی قابل اجراء است. چنانچه دادگاه ظرف شش ماه راجع به اصل دعوی اتخاذ تصمیم نکند، دستور صادرشده ملغی محسوب و از آن رفع اثر می شود، مگر آنکه دادگاه مطابق این ماده دوباره دستور موقت صادر کند.

ماده ۸ - رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می شود.

تبصره - هرگاه خواهان خوانده را مجهول المکان معرفی کند، باید آخرین اقامتگاه او را به دادگاه اعلام کند. دادگاه به طرق مقتضی در این باره تحقیق و تصمیم گیری می کند.

ماده ۹- تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی طرق دیگری از قبیل پست، نمابر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای این منظور به دادگاه اعلام کنند، دادگاه می تواند ابلاغ را به آن طریق انجام دهد. در هر صورت، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است.

ماده ۱۰- دادگاه می تواند برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از

آنان حداکثر برای دو بار به تأخیر اندازد.

قانون اجرای احکام مدنی

فصل اول - قواعد عمومی

مبحث اول - مقدمات اجرا

ماده ۱ - هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی شود مگر این که قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می کند صادر شده باشد.

نکته:

حکم ورشکستگی (طبق ماده ۴۱۷ ق.ت.) و دعای تصرف (طبق ماده ۱۷۵ ق.آ.د.م) دو حکمی هستند که به طور موقت اجرا می شوند.

ماده ۲ - احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می شود که به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم له یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتبا این تقاضا را از دادگاه بنماید.

ماده ۳ - حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمی باشد.

ماده ۴ - اجرای حکم با صدور اجرائیه به عمل می آید مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. در مواردی که دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند، اجرائیه صادر نمی شود همچنین در مواردی که سازمانها و موسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و موسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند.

نکته:

رای وحدت رویه شماره ۱۰۷: حکم ابطال تقاضای ثبت از احکامی نیست که محتاج به صدور اجرائیه باشد.

ماده ۵ - صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است .

ماده ۶ - در اجرائیه نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکوم له و محکوم علیه و مشخصات حکم و موضوع آن و این که پرداخت حق اجرا به عهده محکوم علیه می باشد نوشته شده و به امضا رییس دادگاه و مدیر دفتر رسیده به مهر دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده می شود.

ماده ۷ - برگهای اجرائیه به تعداد محکوم علیهم به علاوه دو نسخه صادر می شود یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ به محکوم علیه در پرونده اجرایی بایگانی می گردد و یک نسخه نیز در موقع ابلاغ به محکوم علیه داده می شود.

ماده ۸ - ابلاغ اجرائیه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل می آید و آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه سابقه محسوب است .

ماده ۹ - در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی طبق ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل آمده و تا قبل از صدور اجرائیه محکوم علیه محل اقامت خود را به دادگاه اعلام نکرده باشد مفاد اجرائیه یک نوبت به ترتیب مقرر در مادتهای ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون آگاهی می گردد و ده روز پس از آن به موقع اجرا گذاشته می شود. در این صورت برای عملیات اجرایی ابلاغ یا اخطار دیگری به محکوم علیه لازم نیست مگر این که محکوم علیه محل اقامت خود را کتبا به قسمت اجرا اطلاع دهد. مفاد این ماده باید در آگاهی مزبور قید شود.

ماده ۱۰ - اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ اجرائیه محجور یا فوت شود اجرائیه حسب مورد به: ولی، قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او ابلاغ می گردد و هر گاه حجر یا فوت محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد مفاد اجرائیه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطاریه آنها اطلاع داده خواهد شد.

قانون امور حسبی

مصوب ۱۳۱۹

باب اول - در کلیات

ماده ۴ - در موضوعات حسبی هر گاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود دادگاه مزبور می تواند انجام آن امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه ارجاع کننده امر می فرستد.

ماده ۶ - در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوعی صالح باشند دادگاهی که بدو به آن رجوع شده است رسیدگی می نماید.

ماده ۸ - دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند

- ۱- اموری که در آنها ذینفع است
 - ۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه ای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).
 - ۳- امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.
 - ۴- امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آنها دارد.
- ماده ۹ - در موارد خودداری دادرس هر گاه در آن حوزه دادرس صلاحیتدار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیکتر ارجاع می شود.

ماده ۱۱ - عدم صلاحیت محلی دادگاه یا خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری رافع آثار قانونی اقدام یا تصمیمی که به عمل آمده است نخواهد بود.

ماده ۱۲ - روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تأخیر اندازد مگر اینکه امر از امور فوری باشد.

ماده ۱۵ - اشخاص ذینفع می توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود.

تبصره - نماینده اعم از وکلاء دادگستری یا غیر آنها است.

ماده ۱۹ - هر گاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوایی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد دادرس در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می نماید.

ماده ۲۰ - اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به مواردی است که در قانون تصریح شده است.

ماده ۲۱ - در مواردی که دادستان مکلف به اقدامی می باشد اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می آید.

ماده ۲۷ - تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

نکته :

رای وحدت رویه ۸۰۰ مورخ ۱۳۳۶/۴/۱۱: فرجام خواهی از تصمیم دادگاه راجع به حجر «چون به موجب ماده ۲۷ قانون امور حسبی تصمیم دادگاه وقتی قابل فرجام است که در قانون تصریح شده باشد و در مورد تصمیم دادگاه راجع به حجر در قانون تصریح به حق فرجام نشده است و مستنبط از ماده ۴۴ قانون مزبور هم که حق فرجام در آن تصریح گردیده ناظر به موردیست که شخص ثالث بر تصمیمی دادگاه اعتراض کرده باشد بنابراین احکام مربوط به حجر برای اشخاص ذینفعی که طبق ماده ۱۵ قانون مذکور در جریان رسیدگی دخالت داشته و عنوان شخص ثالث نداشته اند، قابل فرجام نمی باشد»

..... قوانین خاص حقوقی و کیفری

ماده ۲۸ - مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادرکننده تصمیم در مورد دعاوی دارد.

ماده ۲۹ - مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده.

ماده ۳۰ - در صورتی که پژوهش خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است می تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به اینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش بیش از شش ماه نگذشته باشد.

ماده ۳۱ - مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهشی باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست.

ماده ۳۴ - شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر جهات یا ادله جدید باشد.

ماده ۳۵ - شکایت پژوهشی موجب تعویق اجراء تصمیم مورد شکایت نمی شود مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می کند قرار تأخیر اجرای آن را بدهد.

ماده ۴۰ - هر گاه دادگاه رأساً یا بر حسب تذکر به خطاء تصمیم خود برخورد در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می تواند آن را تغییر دهد.

ماده ۴۱ - تصمیمی که در زمینه درخواستی به عمل آمده است تغییر آن هم محتاج به درخواست است.

ماده ۴۲ - هر گاه در استنباط از مواد قانون بین دادرسهایی که رسیدگی پژوهشی می کنند اختلاف نظر باشد دادگاهی که به امر حسبی رسیدگی پژوهشی می نماید می تواند به توسط دادستان دیوان کشور نظر هیأت عمومی دیوان کشور را بخواهد و در این صورت دادگاه نظر خود را با دلایل آن برای دادستان دیوان کشور می فرستد و پس از آنکه دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل نماید.

ماده ۴۴ - کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود مضر بدانند می توانند بر آن اعتراض نمایند خواه تصمیم از دادگاه نخست صادر شده و یا از دادگاه پژوهشی باشد و حکمی که در نتیجه اعتراض صادر می شود قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۴۷ - در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات عزل وصی یا قیم یا ضم امین ترتیب رسیدگی مطابق مقررات این قانون است و حکمی که در این خصوص صادر می شود مطابق آیین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام است.

باب دوم - در قیمومت

فصل اول - صلاحیت دادگاه قیمومت

ماده ۴۸ - امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سکنی دارد برای امور قیمومت صالح است.

نکته:

رای وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۲۳/۷/۲۷: « بر طبق ماده ۴۸ قانون امور حسبی، امور قیمومت نسبت به محجوری که اقامتگاه او در ایران است با دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن می باشد. بنابراین مرجع تعیین قیم برای صغیر مقیم ایران دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه صغیر در حوزه آن باشد اعم از اینکه اقامتگاه پدر صغیر که فوت شده در آنجا بوده یا نبوده است.»

ماده ۴۹ - هر گاه محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است.

ماده ۵۱ - در صورتی که متوفی دارای صغاری باشد که اقامتگاه آنها مختلف است دادگاهی که برای یک نفر از صغار بدو تعیین قیم کرده است می تواند برای صغاری هم که در حوزه آن دادگاه اقامت ندارند قیم معین نماید و اگر قیم معین نشده

باشد دادگاهی که کوچک‌ترین صغیر در حوزه آن اقامت دارد برای تعیین قییم نسبت به تمام صغار صلاحیت خواهد داشت - و اگر معلوم نباشد کدام یک از صغار کوچک‌ترند هر یک از دادگاه‌ها که صغیر در حوزه آن دادگاه اقامت دارد صالح است.

ماده ۵۴ - عزل و تعیین قییم جدید و تعیین قییم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قییم کرده است.

فصل دوم - ترتیب تعیین قییم

ماده ۵۶ - هر یک از دادگاه‌ها که در جریان دعوی مطلع به وجود محجوری شود که ولی یا وصی یا قییم نداشته باشد باید به دادستان برای تعیین قییم اطلاع بدهد.

ماده ۵۹ - هر گاه صغیری که ولی خاص ندارد در زمان رسیدن به سن رشد سفیه یا مجنون باشد قییم باید به دادستان جنون یا سفه او را اطلاع دهد و دادستان پس از اطلاع به این امر مکلف است در موضوع جنون و سفاهت تحقیق نموده و دلایل آن را اعم از نظریات کارشناس و اطلاعات مطلعین و غیره به دادگاه بفرستد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز جنون یا سفه حکم به استمرار و بقاء حجر صادر می‌نماید در این صورت ممکن است قییم سابق را هم به قییمت ابقاء نمود.

نکته:

رای وحدت رویه شماره ۷۲ مورخ ۱۳۵۳/۹/۴: وظیفه دادستان به اعلام حجر کسی مانع از مراجعه اشخاص ذینفع به همین منظور به دادگاه نیست، همچنین فوت کسی که درخواست حجر او شده مانع رسیدگی دادگاه نیست.

ماده ۶۰ - برای چند نفر از اشخاص محتاج به قییم می‌توان یک قییم معین نمود مگر آنکه اداره امور هر یک از آنها محتاج به قییم علیحده باشد.

ماده ۶۱ - پدر یا مادر محجور مادام که شوهر ندارد با داشتن صلاحیت برای قییمت بر دیگران مقدم می‌باشد.

ماده ۶۶ - دادستان و محجور و قییم محجور نسبت به تصمیمات دادگاه در موارد زیر می‌توانند پژوهش بخواهند اگر قییم متعدد باشد هر یک از آنها حق پژوهش دارند:

۱- حکم حجر.

۲- حکم بقاء حجر.

۳- رفع حجر.

۴- رد درخواست حجر.

۵- رد درخواست بقاء حجر.

۶- رد درخواست رفع حجر.

ماده ۷۰ - اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود.

ماده ۷۱ - در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتداء تاریخ حجر را که بر او معلوم شده است در حکم خود قید نماید.

ماده ۷۳ - در صورتی که محجور ولی یا وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او ندارند و فقط دادرس بعد از رسیدگی لازمی می‌تواند وصایت وصی را تصدیق نماید.

فصل سوم - اختیارات و مسئولیت قییم

ماده ۸۱ - قییم می‌تواند با رعایت مصلحت اموال منقول‌های که مورد احتیاج محجور نیست فروخته و نسبت به پول آن مطابق ماده فوق عمل نماید.

ماده ۸۳ - اموال غیر منقول محجور فروخته نخواهد شد. مگر با رعایت غبطه او و تصویب دادستان.

سوالات قانون امور حسبی

۱- رسیدگی به امور حسبی در کدام یک از مراجع آتی صورت می گیرد؟ (قضاوت شورای حل اختلاف ۹۱)

(۱) دادگاه عمومی حقوقی

(۲) دادگاه خانواده

(۳) شورای حل اختلاف

(۴) حسب مورد، در یکی از مراجع مذکور در گزینه های قبل

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۲- عزل و تعیین قیم جدید و تعیین موقت در صلاحیت کدام دادگاه است؟ (مشاوران حقوقی ۹۰)

(۱) دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می شود.

(۲) دادگاه شهرستان تهران

(۳) دادگاهی که بدو تعیین قیم نموده است.

(۴) هر دادگاهی که به آن رجوع شود، بدون محدودیت صلاحیت محلی

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. ماده ۵۴ ق.ا.ح

۳- در صورت محجور شدن زن، کدام یک از اشخاص زیر برای قیمومت وی بر دیگران مقدم است؟

(مشاوران حقوقی ۹۰)

(۱) شوهر

(۲) پدر

(۳) فرزند کبیر

(۴) اولویتی وجود ندارد

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. ماده ۶۲ ق.ا.ح

۴- کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران حقوقی ۸۴)

(۱) در امور حسبی دادرس حق ندارد مترجم انتخاب کند.

(۲) در امور حسبی اگر دادرس آشنا به زبان باشد، باید مترجم انتخاب کند.

(۳) در امور حسبی اگر دادرس آشنا به زبان باشد، ملزم به مداخله دادن مترجم نیست.

(۴) در امور حسبی اگر دادرس آشنا به زبان باشد، حق ندارد مترجم انتخاب کند.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. ماده ۴۶ ق.ا.ح

۵- کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران حقوقی ۸۴)

(۱) تصمیم دادگاه در امور حسبی در تمام موارد قابل پژوهش و فرجام است.

(۲) تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش است ولی قابل فرجام نیست.

(۳) تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست، جز آنچه در قانون تصریح شده است.

(۴) تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام است جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. ماده ۲۷ ق.ا.ح

۶- کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران حقوقی ۸۴)

(۱) در صورت محجور شدن شوهر، زن با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم است.

(۲) در صورت محجور شدن زن، شوهر با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم است.

(۳) زن یا شوهر برای قیمومت از همدیگر صلاحیت ندارند.

(۴) شوهر به حکم قانون قیم زن و زن قیم شوهر است.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. ماده ۶۲ ق.ا.ح

قوانین خاص حقوق تجارت

قانون جدید اصلاح صدور چک مصوب ۱۳۹۷

ماده ۱- (الحاقی ۱۳۷۲/۸/۱۱) انواع چک عبارتند از:

۱. چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد
 ۲. چک تایید شده، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید می‌شود
 ۳. چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود
 ۴. چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.
- تبصره -قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چک‌هایی که به شکل الکترونیکی (داده پیام) صادر می‌شوند نیز لازم‌الرعایه است. بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک‌سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، اقدامات لازم در خصوص چک‌های الکترونیکی (داده پیام) را انجام داده و دستورالعمل‌های لازم را صادر نماید.

ماده ۲ - چک‌های صادر عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم‌الاجراء است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل یا به هر دلیل دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید

برای صدور اجراییه دارنده چک باید عین چک و گواهی‌نامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهی‌نامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید.

اجراء ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضای چک به نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارنده چک اعم از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت‌نویسی شده یا حامل چک (در مورد چک‌های در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان.

تبصره (الحاقی ۱۳۶۷/۳/۱۰) مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام) دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیا و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.

نکته:

تقاضای اجرا از دایره اجرای اداره ثبت اسناد :

در این روش که تنها مخصوص چک است؛ شرایط خاصی باید وجود داشته باشد که عبارتند از :

۱. گواهی نامه عدم پرداخت در مورد چک صادر شده باشد.
۲. نمونه ی امضای موجود در چک با نمونه ی امضای موجود در بانک مطابقت نماید و این مسئله توسط بانک تایید شود.
۳. اصل و فتوکپی چک و همچنین اصل و فتوکپی گواهی عدم پرداخت باید تحویل دایره اجرا شود.

۴. اداره ثبتی می تواند اجراییه صادر کند که بانک محال علیه در حوزه ی آن مستقر باشد (بانک محال علیه در حال حاضر بانکی است که گواهی عدم پرداخت صادر می کند)
۵. چک باید یکی از بانک های ایرانی و یا شعب آنها در خارج از کشور صادر شده باشد. در خصوص چک هایی که از بانک های ایرانی خارج از کشور صادر می شوند، در خواست اجرا باید در اجرای ثبت تهران به عمل آید.
۶. در اقدام از طریق اداره ثبت فقط می توان علیه صادر کننده ی چک اقدام نمود و اقدام علیه ظهر نویسان و ضامنین امکان پذیر نمی باشد.
۷. در اقدام از این طریق فقط مطالبه ی مبلغ اصلی مندرج در چک ممکن است و خسارات تاخیر تادیه از این طریق قابل وصول نخواهد بود.
۸. در اقدام از طریق ثبت در صورتی که اموالی از صادر کننده چک یافت نشود امکان اعمال ماده ۲ قانون نحوه ی اجرای محکومیتها مالی و بازداشت بدهکار وجود ندارد.

ماده ۳ - (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲) صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک، یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

ماده ۳ مکرر - (الحاقی ۱۳۸۲/۶/۲) چک فقط در تاریخ مندرج در آن و با پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

ماده ۴ - هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده (۲) پرداخت نگردد، بانک مکلف است بنا بر درخواست دارنده چک فوراً غیرقابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه ای که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید. به گواهینامه فاقد کد رهگیری و فاقد مهر شخص حقوقی در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی شود.

در برگ مزبور باید مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) از طرف بانک گواهی شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد.

ماده ۵ - در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت شده پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید. بانک مکلف است بنا به درخواست دارنده چک فوراً کسری مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه ای با مشخصات مذکور در ماده قبل، آن را به متقاضی تحویل دهد. به گواهینامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی شود.

سوالات قانون صدور چک

۱- مرور زمان تعقیب کیفری و حقوقی چک پرداخت نشدنی، به ترتیب کدام است؟ (قضاوت ۹۳)

(۱) شش ماه از تاریخ گواهی عدم پرداخت - سه سال

(۲) شش ماه از تاریخ صدور - دو سال

(۳) شش ماه از تاریخ صدور یا از تاریخ گواهی عدم پرداخت - سه سال

(۴) شش ماه از تاریخ صدور یا از تاریخ گواهی عدم پرداخت - پنج سال

گزینه ۴ صحیح است.

۲- حسن چکی در وجه یک شرکت تضامنی صادر و شرکت آن را با ظهر نویسی به جواد انتقال داده است. در

صورتی که جواد بخواهد همزمان اقامه دعوی کند، کدام اشخاص در مقابل وی مسئولیت تضامنی دارند؟

(قضاوت ۹۳)

(۱) حسن و شرکا شرکت تضامنی

(۲) حسن، شرکت تضامنی و شرکا شرکت تضامنی

(۳) شرکت تضامنی و شرکا آن

(۴) حسن و شرکت تضامنی

گزینه ۴ صحیح است.

۳- دارنده چک علیه صادر کننده و ظهر نویس چک اقامه دعوا نموده و صدور قرار تامین خواسته علیه هر دو را

درخواست می نماید. در اینصورت، دادگاه در مورد چه کسانی قرار تامین صادر می نماید؟ (وکالت ۹۳)

(۱) علیه صادر کننده و ظهر نویس به اندازه مبلغ چک

(۲) علیه هر مسئول به اندازه نصف مبلغ چک

(۳) فقط علیه یک مسئول به انتخاب خواهان

(۴) فقط علیه صادر کننده

گزینه ۱ صحیح است.

۴- مسئولیت حقوقی صدور سفته تجاری توسط مدیر شرکت متوجه کیست؟ (قضاوت ۹۳)

(۱) شرکت و مدیر، مسئولیت عرضی دارند

(۲) فقط مدیر

(۳) فقط شرکت

(۴) شرکت و مدیر، مسئولیت تضامنی دارند

گزینه ۳ صحیح است.

در مورد چک مدیر مسئولیت تضامنی دارد. و مسئول سفته صادره توسط شرکت حتی اگر امضای مدیر باشد (البته به

صورت نماینده) با شرکت است.

۵-امضای الف به عنوان صادر کننده چک با نمونه امضای وی در بانک مطابقت ندارد در این صورت سند مزبور

(دکتری سراسری ۹۳)

...

(۱) چک است

(۲) چک نیست

(۳) در صورتی که عدم مطابقت غیر عمدی باشد چک است.

(۴) فقط در برابر دارنده نا آگاه چک است

گزینه ۱ صحیح است.

۶- عبارت پایانی ماده ۳ قانون صدور چک مقرر می دارد: «هر گاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده

باشد بانک به آن ترتیب اثر نمی دهد». در تفسیر این ماده کدام گزینه صحیح نیست؟ (سراسری ۹۱)

(۱) بانک محال علیه نمی تواند پرداخت چک را موکول به تحقق شرط کند.

(۲) دادگاه به هیچ وجه نمی تواند احکام چک را نسبت به چنین سندی اعمال کند.

(۳) دادگاه می تواند بدون توجه به شرط، احکام چک را در مورد چنین سندی اعمال کند.

(۴) چنین سندی همراه با شرط مندرج در آن به عنوان سند عادی در دادگاه قابل استناد است.

گزینه ۲ صحیح است.

قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک

مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام

موضوع استفساریه:

آیا مراد از خسارت و هزینه‌های مقرر در تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه‌های دادرسی، حق الوکاله، ضمان ناشی از تسبیب، خسارات تاخیر تأدیه و امثال آن می‌باشد؟ در این صورت مبنای مناسب خسارت مبنای محاسبه خسارت مقررات بانکی است یا مبنای آن عرف می‌باشد که قاضی به استناد نظریه کارشناسی یا سایر طرق نسبت به استخراج خسارات اقدام می‌نماید.

نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام:

ماده واحده- منظور از عبارت "کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه‌های دادرسی..." مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تاخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است.

تفسیر فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه رسمی روز شنبه مورخ بیست و یکم آذر ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.

تذکره:

در مورد اسناد تجاری خسارت تأخیر تأدیه قابل مطالبه است اما باید بین سفته و برات با چک در مورد تاریخ مطالبه قائل به تفکیک شد:

در مورد سفته و برات دارنده می تواند خسارت تأخیر را نسبت به مبلغ اصلی سند از تاریخ اعتراض عدم تأدیه لغایت روز وصول وجه مطالبه نماید. (ماده ۳۰۴ ق.ت.)

تذقت داشته باشید:

در مورد چک براساس ماده واحده استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۰/۳/۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارت تأخیر تأدیه در مورد چک از تاریخ چک لغایت روز وصول وجه (اجرای حکم) طبق نرخ تورم اعلامی توسط بانک مرکزی محاسبه و قابل مطالبه است.

سوالات قانون استفساریه

مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک از تاریخ می‌باشد. (وکالت ۹۰)

۱) صدور چک ۲) ثبت دادخواست مطالبه وجه

۳) صدور گواهینامه عدم پرداخت ۴) مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی

گزینه ۱ صحیح است.

قانون تجارت الکترونیکی

باب اول - مقررات عمومی

مبحث اول - قلمرو شمول قانون

فصل اول - قلمرو و شمول قانون

ماده ۱- این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستمهای ارتباطی جدید به کار می‌رود.

فصل دوم - تعاریف

ماده ۲- الف - «داده پیام: (Data Message)» هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.

ب - «اصل ساز: (Originator)» منشأ اصلی «داده پیام» است که «داده پیام» به وسیله او یا از طرف او تولید یا ارسال می‌شود اما شامل شخصی که در خصوص «داده پیام» به عنوان واسطه عمل می‌کند نخواهد شد.

ج - «مخاطب: (Addressee)» شخصی است که اصل ساز قصد دارد وی «داده پیام» را دریافت کند، اما شامل شخصی که در ارتباط با «داده پیام» به عنوان واسطه عمل می‌کند نخواهد شد.

د - «ارجاع در داده پیام: (Incorporation By Reference)» یعنی به منابعی خارج از «داده پیام» عطف شود که در صورت مطابقت با ماده (۱۸) این قانون جزئی از «داده پیام» محسوب می‌شود.

هـ - «تمامیت داده پیام: (Integrity)» عبارت است از موجودیت کامل و بدون تغییر «داده پیام». اعمال ناشی از تصدی سیستم از قبیل ارسال، ذخیره یا نمایش اطلاعات که به‌طور معمول انجام می‌شود خدشهای به تمامیت «داده پیام» وارد نمی‌کند.

و - «سیستم رایانه‌ای: (Computer System)» هر نوع دستگاه یا مجموعه‌ای از دستگاههای متصل سخت‌افزاری - نرم‌افزاری است که از طریق اجرای برنامه‌های پردازش خودکار «داده پیام» عمل می‌کند.

ز - «سیستم اطلاعاتی: (Information System)» سیستمی برای تولید (اصل‌سازی)، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش «داده پیام» است.

ح - «سیستم اطلاعاتی مطمئن: (Secure Information System)» سیستم اطلاعاتی است که:

۱ - به نحوی معقول در برابر سوء استفاده و نفوذ محفوظ باشد.

۲ - سطح معقولی از قابلیت دسترسی و تصدی صحیح را دارا باشد.

۳ - به نحوی معقول متناسب با اهمیت کاری که انجام می‌دهد پیکربندی و سازماندهی شده باشد.

۴ - موافق با رویه ایمن باشد.

ط - «رویه ایمن: (Secure Method)» رویه‌ای است برای تطبیق صحت ثبت «داده پیام»، منشأ و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره‌سازی «داده پیام» از یک زمان خاص. یک رویه ایمن ممکن است با استفاده از الگوریتمها یا کدها، کلمات یا ارقام شناسائی، رمزنگاری، روشهای تصدیق یا پاسخ‌برگشت و یا طرق ایمنی مشابه انجام شود.

..... موسسه آموزش عالی آزاد فاضل

ی - «امضای الکترونیکی» (Electronic Signature) عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به «داده پیام» است که برای شناسائی امضاءکننده «داده پیام» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ک - «امضای الکترونیکی مطمئن» (Secure/Enhanced/Advanced Electronic Signature) «هر امضای الکترونیکی است که مطابق با ماده (۱۰) این قانون باشد.

ل - «امضاء کننده» (Signatory) «هر شخص یا قائم مقام وی که امضای الکترونیکی تولید می‌کند.

م - «شخص» (Person) «اعم است از شخص حقیقی و حقوقی و یا سیستم‌های رایانه‌ای تحت کنترل آنان.

ن - «معقول» (سنجش عقلانی)، : (Reasonableness Test) با توجه به اوضاع و احوال مبادله «داده پیام» از جمله: طبیعت مبادله، مهارت و موقعیت طرفین، حجم مبادلات طرفین در موارد مشابه، در دسترس بودن گزینه‌های پیشنهادی و رد آن گزینه‌ها از جانب هر یک از طرفین، هزینه گزینه‌های پیشنهادی، عرف و روشهای معمول و مورد استفاده در این نوع مبادلات، ارزیابی می‌شود.

س - «مصرف کننده» (Consumer) «هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای اقدام می‌کند.

ع - «تامین کننده» (Supplier) عبارت از شخصی است که بنا به اهلیت تجاری، صنفی یا حرفه‌ای فعالیت می‌کند.

ف - «وسائل ارتباط از راه دور» (Means Of Distance Communication) عبارت از هر نوع وسیله‌ای است که بدون حضور فیزیکی همزمان تامین کننده و مصرف کننده جهت فروش کالا و خدمات استفاده می‌شود.

ص - «عقد از راه دور» (Distance Contract) «ایجاب و قبول راجع به کالاها و خدمات بین تامین کننده و مصرف کننده با استفاده از وسائل ارتباط از راه دور است.

ق - «واسط با دوام» (Durable Medium) «یعنی وسائلی که به موجب آن مصرف کننده بتواند شخصاً «داده پیام»‌های مربوطه را بر روی آن ذخیره کند از جمله شامل فلاپی دیسک، دیسک فشرده، دیسک سخت و یا پست الکترونیکی مصرف کننده.

ر - «داده پیام‌های شخصی» (Private Data) «یعنی «داده پیام»‌های مربوط به یک شخص حقیقی (موضوع داده) (Data Subject) «مشخص و معین.

فصل سوم - تفسیر قانون

ماده ۳- در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد.

ماده ۴- در مواقع سکوت و یا ابهام باب اول این قانون، محاکم قضایی باید بر اساس سایر قوانین موضوعه و رعایت چهارچوب فصول و مواد مندرج در این قانون، قضاوت نمایند.

فصل چهارم - اعتبار قراردادهای خصوصی

ماده ۵- هر گونه تغییر در تولید، ارسال، دریافت، ذخیره و یا پردازش داده پیام با توافق و قرارداد خاص طرفین معتبر است.

فهرست مواد مهم برخی از قوانین خاص حقوقی

قانون ثبت اسناد و املاک

مصوب ۱۳۱۰ با آخرین اصلاحات و الحاقات

ماده ۳۳- نسبت به املاکی که با شرط خیار یا به عنوان قطعی با شرط نذر خارج و یا به عنوان قطعی با شرط وکالت منتقل شده است و به طور کلی نسبت به املاکی که به عنوان صلح یا به هر عنوان دیگر با حق استرداد قبل از تاریخ اجرای این قانون انتقال داده شده اعم از اینکه مدت خیار یا عمل به شرط و به طور کلی مدت حق استرداد منقضی شده یا نشده باشد و اعم از اینکه ملک در تصرف انتقال دهنده باشد یا در تصرف انتقال گیرنده، حق تقاضای ثبت با انتقال دهنده است مگر در موارد ذیل که اظهارنامه فقط از منتقل الیه پذیرفته می شود:

۱- در صورتی که ملک قبل از تاریخ اجرای این قانون به موجب حکم نهایی به ملکیت قطعی منتقل الیه محکوم شده باشد .
۲- در صورتی که پس از انقضای مدت حق استرداد، انتقال دهنده مالکیت قطعی (بدون حق استرداد) انتقال گیرنده را کتباً تصدیق کرده باشد.

۳- در صورتی که در تاریخ اجرای قانون مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۸ ملک مورد معامله در تصرف انتقال گیرنده بوده و لاقلاً پنج سال از انقضای موعد حق استرداد تا تاریخ مزبور گذشته باشد مشروط به دو شرط ذیل (اصلاحی مصوب ۱۳۱۲)
الف- از انقضای موعد حق استرداد تا تاریخ اجرای قانون بهمن ماه ۱۳۰۸ از طرف انتقال دهنده یا قائم مقام قانونی او به وسیله عرض حال یا اظهارنامه رسمی اعتراض به مالکیت انتقال گیرنده نشده باشد.

ب- در صورتی که تا تاریخ تصویب این قانون (۲۸ دی ماه ۱۳۱۲) حکم قطعی بر بی حقی انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او صادر نشده باشد.

تبصره ۱: کلیه معاملات با حق استرداد ولو آنکه در ظاهر معامله با حق استرداد نباشد مشمول جمیع مقررات راجعه به معاملات با حق استرداد خواهد بود اعم از اینکه بین متعاملین محصور بوده و یا برای تأمین حق استرداد، اشخاص ثالثی را بای نحو کان مداخله داده باشند.

تبصره ۲: در مواردی که مطابق این ماده انتقال دهنده تقاضای ثبت می کند، باید حق انتقال گیرنده را در تقاضانامه خود قید نماید و این حق در ضمن اعلان با تصریح به اسم طرف ذکر خواهد شد.

ماده ۳۴- (اصلاحی ۱۳۸۶/۱۲/۸) در مورد کلیه معاملات رهنی و شرطی و دیگر معاملات مذکور در ماده (۳۳) قانون ثبت، راجع به اموال منقول و غیرمنقول، در صورتی که بدهکار ظرف مهلت مقرر در سند، بدهی خود را نپردازد، طلبکار می تواند از طریق صدور اجرائیه وصول طلب خود را توسط دفترخانه تنظیم کننده سند، درخواست کند. چنانچه بدهکار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننماید بنا به تقاضای بستانکار، اداره ثبت پس از ارزیابی تمامی مورد معامله و قطعیت آن، حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ قطعیت ارزیابی، با برگزاری مزایده نسبت به وصول مطالبات مرتبه به میزان طلب قانونی وی اقدام و مازاد را به راهن مسترد می نماید .

تبصره ۱- در مواردی هم که مال یا ملکی، وثیقه دین یا انجام تعهد یا ضمانتی قرار داده می شود مطابق مقررات این قانون عمل خواهد شد .

تبصره ۲- نحوه ابلاغ اجرائیه، بازداشت مازاد مورد رهن و چگونگی ختم عملیات اجرائی و برگزاری مزایده و اعراض از رهن و سایر موارد به موجب آئین نامه ای است که ظرف مدت سه ماه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید .

تبصره ۳- این قانون نسبت به اسناد تنظیمی و اجرائیه های صادره که قبل از تصویب این قانون مختمه نگردیده است نیز جاری است .

ماده ۳۴ مکرر- (به موجب قانون اصلاحی ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ حذف شده است)

فهرست جدیدترین اصلاحات مربوط به قوانین اصلی حقوق

« قانون اصلاح ماده (۲۴۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت »

« ماده واحده- ماده (۲۴۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.۱۲.۲۴ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۲۴۱- با رعایت شرایط مقرر در ماده (۱۳۴) نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود، به هیچ وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از سه درصد (۳٪) و در شرکت‌های سهامی خاص از شش درصد (۶٪) سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، تجاوز کند. در هر حال این پاداش نمی‌تواند برای هر عضو موظف از معادل یک سال حقوق پایه وی و برای هر عضو غیرموظف از حداقل پاداش اعضای موظف هیأت مدیره بیشتر باشد. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد، باطل و بلااثر است.

تبصره ۱- شرکت‌های دولتی، مشمول مقررات این ماده در خصوص پاداش هیأت مدیره نیستند و تابع حکم مقرر در ماده (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶.۷.۸ می‌باشند.

تبصره ۲- هیچ فردی نمی‌تواند اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی همزمان در بیش از یک شرکت که تمام یا بخشی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها یا مؤسسات عمومی غیردولتی است به سمت مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره انتخاب شود. متخلف علاوه بر استرداد وجوه دریافتی به شرکت، به پرداخت جزای نقدی معادل وجوه مذکور محکوم می‌شود»

قوانین خاص جزایی و کیفری

قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸

بخش یکم - جرائم و مجازاتها

فصل یکم - جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم - دسترسی غیرمجاز

ماده ۱ (ماده ۷۲۹) - هر کس به طور غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - شنود غیرمجاز

ماده ۲ (ماده ۷۳۰) - هر کس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث سوم - جاسوسی رایانه‌ای

ماده ۳ (ماده ۷۳۱) - هر کس به طور غیرمجاز نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حاملهای داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازاتهای مقرر محکوم خواهد شد:
الف) دسترسی به داده‌های مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از شصت میلیون (۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا صد و هشتاد میلیون (۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات.
ب) در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.
ج) افشاء یا در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها، به حبس از پنج تا پانزده سال.

تبصره ۱ - داده‌های سری داده‌هایی است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می‌زند.

تبصره ۲ - آئین‌نامه نحوه تعیین و تشخیص داده‌های سری و نحوه طبقه‌بندی و حفاظت آنها ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری وزارتخانه‌های دادگستری، کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۴ (ماده ۷۳۲) - هر کس به قصد دسترسی به داده‌های سری موضوع ماده (۳) این قانون، تدابیر امنیتی سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را نقض کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۵ (ماده ۷۳۳) - چنانچه مأموران دولتی که مسؤول حفظ داده‌های سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سامانه‌های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سامانه‌های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است بر اثر بی احتیاطی، بی‌مبالائی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حاملهای داده یا سامانه‌های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پانزده میلیون (۱۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

فصل دوم - جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی

سوالات جرایم رایانه ای

۱- ارائه دهنده خدمات دسترسی، عمداً از پالایش محتوای مجرمانه اعلام شده از سوی کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه خودداری می کند و مشترکان خدمات نیز به محتویات مستهجن دسترسی می یابند، ارائه دهنده خدمات و مشترکان، به ترتیب، مرتکب چه جرمی شده اند؟ (ارشاد ۹۷)

۱) دسترسی غیرمجاز- دسترسی غیرمجاز

۲) دسترسی غیرمجاز- مرتکب جرم نشده اند

۳) ترک عمدی پالایش محتوای مجرمانه- مرتکب جرم نشده اند

۴) ترک عمدی پالایش محتوای مجرمانه و معاونت در دسترسی غیرمجاز- دسترسی غیرمجاز

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۲- الف با استفاده از رایانه و در فضای مجازی، ضمن گفتگو با ب مدعی می شود که قادر به استخدام او در یک شرکت است. سرانجام پس از گذشت یک ماه، اعتماد ب را جلب می کند و ب مبلغ دو میلیون تومان به حساب الف واریز می کند، چه اتهامی توجه الف است؟ (وکالت ۹۶)

۱) کلاهبرداری رایانه ای

۲) شروع به کلاهبرداری

۳) جعل رایانه ای

۴) کلاهبرداری از طریق رایانه ای

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

طبق ماده ۱۳ (۷۴۱) تعزیرات) جرایم رایانه ای

۳- کدام یک در مورد جرایم رایانه ای که به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن صورت می گیرد صحیح است؟ (ارشاد سراسری ۹۳)

۱) هرگاه مدیر شخصی حقوقی مرتکب جرایم رایانه ای شود، مجازات تنها متوجه او بوده و مسئولیتی متوجه شخص حقوقی نخواهد بود.

۲) هرگاه کارمندان شخص حقوقی در اثر عدم نظارت مدیر شخص حقوقی مرتکب جرایم رایانه ای شوند، مسئولیت کیفری فقط متوجه شخص حقوقی خواهد بود.

۳) هرگاه کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر و یا به دستور وی مرتکب جرایم رایانه ای شوند، مرتکبان مجازات می شوند و شخص حقوقی فقط ضامن خسارت وارده می باشد.

۴) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرایم رایانه ای شود، علاوه بر مجازات مدیر مزبور، شخص حقوقی نیز مسئولیت کیفری خواهد داشت.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

طبق ماده ۱۹ (۷۴۷) تعزیرات) جرایم رایانه ای

۴- دسترسی به داده های سری در حال انتقال در سامانه های رایانه ای، دارای کدام عنوان مجرمانه است؟

(مشاغل قضایی ۹۱)

۲) دسترسی غیرمجاز

۱) اختلال در داده ها

۴) جاسوسی رایانه ای

۳) شنود غیرمجاز

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

طبق ماده ۳ جرایم رایانه ای (۷۳۱) تعزیرات (۷۵)

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن

مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده ۱ - اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود:

- ۱ - کشت خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی.
- ۲ - وارد کردن، ارسال، صادر کردن، تولید و ساخت انواع مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی.
- ۳ - نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفاء، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی.
- ۴ - دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی.
- ۵ - استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی به هر شکل و طریق، مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد.
- ۶ - تولید، ساخت، خرید، فروش، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی.
- ۷ - قرار دادن یا پناه دادن متهمین، محکومیت مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی که تحت تعقیبند و یا دستگیر شده‌اند.
- ۸ - امحاء یا اخفاء ادله جرم مجرمان.
- ۹ - قرار دادن مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری.

تبصره ۱ - منظور از مواد مخدر در این قانون، کلیه موادی است که در تصویب نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن احصاء یا توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مخدر شناخته و اعلام می‌گردد.

تبصره ۲ - رسیدگی به جرائم مواد روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی تابع مقررات رسیدگی به جرائم مواد مخدر می‌باشد.

ماده ۲ - هرکس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحاء کشت برحسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد:

- ۱ - بار اول، ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی.
- ۲ - بار دوم، ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱/۰۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.
- ۳ - بار سوم، صد میلیون تا یک میلیارد ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس.
- ۴ - بار چهارم، اعدام.

تبصره - هرگاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستاجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است، شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آن که اقوی از مباشر باشد، به مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می‌شود و مباشر که متصدی کشت بوده است، به ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۳ - هرکس بذر یا گرز خشخاش یا بذر یا برگ کوکا و یا بذر شاهدانه را نگهداری، مخفی و یا حمل کند به ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد، در مورد بذر شاهدانه قصد تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی از آنها باید احراز شود.

ماده ۴ - هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت

تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود:

- ۱ - تا پنجاه گرم، تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق.

۲ - بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم‌ببنداند تا سه سال حبس.

۳ - بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس.

۴ - بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره - هرگاه محرز شود مرتکبین جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال ناشی از همان جرم می‌نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

ماده ۵ - هرکس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود:

۱ - تا پنجاه گرم، تا ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق.

۲ - بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و ده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۳ - بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و چهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس.

۴ - بیش از پنج کیلوگرم یا بیست کیلوگرم، ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازاتهای مذکور، به جای جریمه مصادره اموال ناشی از همان جرم، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

۵ - بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازاء هر کیلوگرم ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می‌گردد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

۶ - بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵ حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره - مرتکبین جرائم فوق چنانچه به صورت زنجیره‌ای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد مشمول مجازاتهای ماده ۴ خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشد به مجازاتهای این ماده محکوم می‌گردند.

ماده ۶ - مرتکبین جرائم مذکور در هر یک از بندهای ۱، ۲، ۳ و دو ماده ۴ و ۵ در صورت تکرار جرم مذکور در همان بند یا هر یک از بندهای دیگر، برای بار دوم به یک برابر و نیم، برای بار سوم به دو برابر و در مرتبه‌های بعد به ترتیب دو و نیم، سه و نیم و... برابر مجازات جرم جدید محکوم خواهند شد. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است. چنانچه در نتیجه تکرار جرائم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود و چنانچه در نتیجه تکرار جرائم مذکور از دو ماده ۴ و ۵ یا بندهای مذکور در ماده ۵ مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد به دو برابر مجازات بند ۴ از ماده ۵ محکوم خواهد شد.

ماده ۷ - در صورتی که مرتکب جرائم مذکور در مواد ۴ و ۵ از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و مؤسسات و سازمانها و شرکتهای وابسته به دولت باشد و مطابق قوانین استخدامی مشمول انضصال از خدمات دولتی نگردد علاوه بر مجازاتهای مذکور در مواد قبل برای بار اول به شش ماه انضصال و برای بار دوم به یک سال انضصال و برای بار سوم به انضصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

ماده ۸ - هر کس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل امید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیردرونی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا

فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد.

۱ - تا پنج سانتی گرم، از ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق.

۲ - بیش از پنج سانتی گرم تا یک گرم، از ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۳ - بیش از یک گرم تا چهار گرم، از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و دو تا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۴ - بیش از چهارگرم تا پانزده گرم، از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و پنج تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۵ - بیش از پانزده گرم تا سی گرم، از ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۶ - بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره ۱ - هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکمقد گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال ناشی از همان جرم، حکم خواهد داد.

تبصره ۲ - در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و شرکتهای و مؤسسات وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازاتهای مذکور در این ماده به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۹ - مجازاتهای مرتکبین جرائم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجرا خواهد شد. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده ۱۰ - حذف شد.

ماده ۱۱ - مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان گردانهای صنعتی غیر دارویی موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاء عام اجرا خواهد شد.

ماده ۱۲ - هرکس مواد مخدر یا روان گردانهای صنعتی غیر دارویی را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان وارد نماید، حسب مورد به اشد مجازاتهای مذکور در مواد ۴ تا ۹ محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب از مأموران دولت باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی نیز محکوم می شود.

هرگاه در اثر سهل انگاری و مسامحه مأموران، مواد مخدر یا روان گردانهای صنعتی غیر دارویی به داخل این مراکز وارد شود مأموران خاطی به تناسب، به مجازات: الف: تنزل درجه. ب: انفصال موقت. ج: انفصال دائم محکوم می شوند.

ماده ۱۳ - هرگاه کسی واحد صنعتی، تجاری، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن، تولید و یا توزیع مواد مخدر یا روان گردانهای صنعتی غیر دارویی معد سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هرگاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود. موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می گردد.

ماده ۱۴ - هرکس به منظور استعمال مواد مخدر یا روان گردانهای صنعتی غیر دارویی مکانی را دایر و یا اداره کند به ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک تا دو سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می شود. مجازات تکرار این جرم، دو تا چهار برابر مجازات بار اول خواهد بود.

قانون مبارزه با پولشویی

مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۹۷

ماده ۱ (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - اصطلاحات مندرج در این قانون در معانی مشروح زیر به کار می‌رود:

الف- جرم منشأ: هر رفتاری است که مطابق ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ جرم محسوب شود. از منظر

این قانون تخلفات مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات بعدی جرم محسوب می‌شود.

ب- مال: هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا غیرمشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار.

پ - مال حاصل از جرم: هر مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جرم منشأ به دست آید از قبیل مالی که از جرائم اقتصادی و جرم تأمین مالی تروریسم حاصل می‌شود.

همچنین، مال موضوع جرم یا مالی که برای ارتکاب جرم اختصاص داده شده است در حکم مال به دست آمده از جرم است.

ت - اشخاص مشمول: اشخاص مذکور در مواد (۵) و (۶) این قانون.

ث - مشاغل غیرمالی: مشاغلی که شاغلین آن معاملات زیادی را به صورت نقدی انجام داده و از نظر پولشویی در معرض خطر قرار دارند از قبیل پیش‌فروش کنندگان مسکن یا خودرو، طلافروشان، صرافان، فروشندگان خودرو، فرشهای قیمتی، فروشندگان عتیقه‌جات و هر نوع محصول گران‌قیمت.

ج - خدمات پایه: خدماتی است که طبق مقررات مربوطه، پیش‌نیاز و لازمه ارائه سایر خدمات توسط اشخاص مشمول می‌باشد و پس از آن ارباب رجوع به منظور اخذ خدمات مکرر و متمادی به اشخاص مشمول مراجعه می‌کنند.

چ - معاملات و عملیات مشکوک:

معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آنها است که براساس قرائن و اوضاع و احوالی مانند موارد زیر ظن وقوع جرم را ایجاد کند:

۱- معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد.

۲- کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه.

۳- معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است.

۴- معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرائی این قانون هر چند مراجعان قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند.

ماده ۲(اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - پولشویی عبارت است از:

الف - تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرائم با علم به منشأ مجرمانه آن.

ب - تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان یا کتمان کردن منشأ مجرمانه آن با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده یا کمک به مرتکب جرم منشأ به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

پ - پنهان یا کتمان کردن منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

تبصره ۱- هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و باتوجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسئولیت اثبات صحت آنها برعهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است.

تبصره ۲- داراشدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبت می‌باشد. علاوه بر این چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد (۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن بر اساس نرخ تورم برای سالهای بعد باشد وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم اسناد مثبت که قابل راستی‌آزمایی

باشد به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک‌چهارم ارزش آن اموال خواهد بود، در این صورت اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضائی توقیف می‌شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود دارا شدن مشروع بوده از مال رفع توقیف و در غیراین صورت ضبط می‌شود.

تبصره ۳- چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می‌شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود.

ماده ۳ (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مال یا امتیازی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرائم، اعم از جرائم منشأ و پولشویی، به دست آمده باشد.

تبصره ۱- جرم منشأ موضوع این ماده اعم است از اینکه در داخل یا در خارج از کشور واقع شده باشد مشروط بر اینکه جرم واقع شده در خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران نیز مطابق قانون جرم باشد.

تبصره ۲- کلیه آلات و ادواتی که در فرآیند جرم پولشویی وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته و در هر مرحله از مراحل تعقیب و رسیدگی به دست آید در صورت احراز اطلاع مالک از قصد مجرمانه مرتکب توقیف می‌شود. این ابزار و اموال از لحاظ شیوه نگهداری و سایر امور تابع مقررات ماده (۱۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ خواهد بود.

ماده ۴ (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - به منظور هماهنگی برای پیشگیری و مقابله با جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم، شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم، که در این قانون به اختصار شورا نامیده می‌شود، به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزرای صنعت، معدن و تجارت، اطلاعات، کشور، دادگستری و امور خارجه، نماینده رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور یا نماینده وی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر به پیشنهاد کمیسیون‌های اقتصادی، شوراها و امور داخلی کشور و قضائی و حقوقی و تصویب مجلس با وظایف ذیل تشکیل می‌شود:

۱- تعیین راهبردها و برنامه‌ریزی در جهت اجرای قانون.

۲- تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های لازم در خصوص اجرای قانون برای تصویب به هیأت‌وزیران.

۳- هماهنگ کردن دستگاه‌های زیر مجموعه دولت در امر جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد، مدارک، اطلاعات و گزارش‌های واصله، تهیه سامانه‌های هوشمند و شناسایی معاملات مشکوک و گزارش به مراجع ذی‌ربط جهت انجام اقدامات لازم.

تبصره ۱ - دبیرخانه شورا در وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

تبصره ۲ - ساختار و تشکیلات اجرائی شورا متناسب با وظایف قانونی آن با پیشنهاد شورا به تصویب هیأت‌وزیران خواهد رسید.

تبصره ۳ - کلیه آیین‌نامه‌های اجرائی شورای فوق‌الذکر پس از تصویب هیأت‌وزیران برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط، با رعایت ماده (۱۴) این قانون لازم‌الاجراء خواهد بود. متخلف از این امر به تشخیص مراجع اداری و قضائی حسب مورد به دو تا پنج سال انفصال از خدمت مربوط یا محرومیت از همان شغل محکوم خواهد شد.

ماده ۵ (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - کلیه صاحبان مشاغل غیرمالی و مؤسسات غیرانتفاعی و همچنین اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانکها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه، شهرداری‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، نهادهای عمومی غیردولتی، تعاونی‌های اعتباری، صرافی‌ها، بازار سرمایه (بورسهای اوراق بهادار) و سایر بورسها، شرکتهای کارگزاری، صندوق‌ها و شرکتهای سرمایه‌گذاری و همچنین مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد از قبیل شرکت ملی نفت ایران،

سازمان گسترش و نوسازی ایران و غیر آنها، مکلفند آیین‌نامه‌های اجرائی هیأت‌وزیران در ارتباط با این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را اجراء کنند.

ماده ۶ (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - کلیه اشخاص موضوع ماده (۵) این قانون، از جمله گمرک جمهوری اسلامی ایران، سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حسابرسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی مکلفند اطلاعات مورد نیاز در اجرای این قانون را طبق مصوبات هیأت‌وزیران حسب درخواست شورا یا مرکز اطلاعات مالی به آنها ارائه نمایند.

ماده ۷ (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) - اشخاص، نهادها و دستگاههای مشمول این قانون (موضوع مواد ۵ و ۶) برحسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف به رعایت موارد زیر هستند:

الف - احراز هویت و شناسایی مراجعان، مالکان واقعی و در صورت اقدام توسط نماینده یا وکیل، احراز سمت و هویت نماینده، وکیل و اصیل.

تبصره - مقررات این بند نافی ضرورت احراز هویت به‌موجب قوانین و مقررات دیگر نیست.

ب - ارائه اطلاعات، گزارش‌ها، اسناد و مدارک لازم به مرکز اطلاعات مالی در چهارچوب قانون و آیین‌نامه مصوب هیأت‌وزیران.

پ - ارائه گزارش معاملات یا عملیات یا شروع به عملیات بیش از میزان مصوب شورا یا معاملات و عملیات مشکوک بانکی، ثبتی، سرمایه‌گذاری، صرافی، کارگزاری و مانند آنها به مرکز اطلاعات مالی.

تبصره - معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آنها است که براساس اوضاع و احوالی مانند ارزش، موضوع یا طرفین آن برای انسان به طور متعارف ظن وقوع جرم را ایجاد کند؛ نظیر:

۱- معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که به نحو فاحش بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد.

۲- کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه.

۳- معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است.

۴- معاملات یا عملیات مالی که اقامتگاه قانونی هریک از طرفین در مناطق پرخطر (از نظر پولشویی) واقع شده است. فهرست این مناطق توسط شورا مشخص می‌شود.

۵ - معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرائی. هرچند مراجعان، قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند.

ت - نگهداری سوابق مربوط به شناسایی ارباب رجوع، مالک، سوابق حسابها، عملیات و معاملات داخلی و خارجی حداقل به مدت پنج سال پس از پایان رابطه کاری یا انجام معامله موردی است که شیوه آن به‌موجب آیین‌نامه اجرائی این قانون تعیین می‌شود.

تبصره - این بند ناقض سایر قوانین که نگهداری اسناد را بیش از مدت یادشده الزامی نموده نخواهد بود.

ث - تدوین معیارهای کنترل داخلی و آموزش مدیران و کارکنان به منظور رعایت مفاد این قانون و آیین‌نامه‌های اجرائی آن.

تبصره - هر یک از مدیران و کارکنان دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ عالمأ و عمادأ و به قصد تسهیل جرائم موضوع این قانون از انجام تکالیف مقرر در هر یک از بندهای فوق به استثنای بند «ث» خودداری نماید علاوه بر انفصال موقت درجه شش به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود. در صورتی که عدم انجام تکالیف مقرر ناشی از تقصیر باشد مرتکب به انفصال موقت درجه هفت محکوم خواهد شد. مدیران و کارکنان سایر دستگاههای حاکمیتی و بخشهای غیردولتی در صورت عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده به استثنای بند «ث»، به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌گردند.

سوالات قانون مبارزه با پولشویی

- ۱- «الف» با علم به این که، وجوهی توسط دوستش به طور غیر مستقیم در نتیجه ارتکاب جرمی به دست آمده است تحصیل و تملک می کند. در این صورت عنوان رفتار «الف» و مجازات وی به ترتیب چیست؟
- الف) پولشویی/ جزای نقدی به میزان چهار برابر عواید حاصل از جرم و استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم
ب) تبانی برای بردن مال غیر/ حبس از شش ماه تا سه سال
ج) پولشویی/ جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم و استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم
د) تبانی برای بردن مال غیر/ حبس سه سال و شلاق تعزیری تا ۷۴ ضربه
- گزینه «ج» صحیح است. مستند به ماده ۲ و ۹ قانون مبارزه با پولشویی.
- مؤسسات اعتباری، بیمه ها و شرکت بورس موظفند هنگام ارائه تمامی خدمات و انجام عملیات پولی و مالی حتی کمتر از سقف مقرر از جمله انجام هرگونه دریافت و پرداخت، حواله وجه، صدور و پرداخت چک، ارائه تسهیلات، صدور انواع کارت دریافت و پرداخت، صدور ضمانت نامه، خرید و فروش ارز و اوراق گواهی سپرده و اوراق مشارکت، قبول ضمانت و تعهد ضامنان به هر شکل از قبیل امضای سفته، پروات و اعتبارات اسنادی، خرید و فروش سهام نسبت به شناسایی اولیه ارباب رجوع (به شرح بندهای «الف» و «ب» ماده (۳) اقدام نموده و اطلاعات آن را در سیستم های اطلاعاتی خود ثبت نمایند. پرداخت قبوض دولتی و خدمات شهری کمتر از سقف مقرر نیازی به شناسایی ندارد.
- اشخاص مشمول موظفند هنگام افتتاح و انسداد حساب افراد سیاسی خارجی دقت و نظارت ویژه به عمل آورند.